

بین اسامی، ر.ک: ج ۱، ص ۱۴۳ مقدمه کتاب مورد بحث).

این کتاب نیز مانند حاتم‌نامه در دو بخش، و در حقیقت دو روایت، است که در دو مجلد آمده که یکی بیشتر ناظر به جنبه «معنوی» و یکی ناظر به جهت ظاهری اسکندر است و به نوشته دکتر اسماعیلی «با غیبت زال و فرزندان [که دستیاران اسکندر بودند] پای خضر و الیاس به داستان باز می‌شود» (ج ۱، ص ۱۳۱). در مجلد دوم است که اسکندر را بیشتر متمایل به ملاقات با زاهدان و صالحان و مردان غیب می‌یابیم (ص ۱۳۱-۱۳۲).

برای بررسی سابقه اسکندر و اسکندرنامه‌ها خصوصاً ویژگی این تحریر و مختصات زبان‌شناختی آن باید مقدمه بسیار فاضلانه دکتر اسماعیلی را دید که الحق کلمه‌ای به آن نمی‌توان افزود. ضمن توصیه به مطالعه کتاب و جلب توجه اهل تحقیق بدان، به چند نکته که در تورق اولیه برخوردیم اشاره می‌نماییم:

۱۵۹/۱، س ۷: «اهدی» غلط کاتب و «اهد» صحیح است.  
۱۸۴/۱: «اسکندر اشک به گل رخسار شبنم مثال بریخت»  
که کسره «رخسار» غلط است و بعد از آن باید ویرگول بیاید.  
۴۲۶/۱: «اساسه» غلط کاتب و «اثاثه» صحیح است.

توفیق ناشر و مصحح را خواهانیم.

## اسکندرنامه

### (روایت آسیای میانه)

علیرضا ذکاوتی قراگزلو

پژوهشگر متون ادبی

باقی محمدبن مولانا یوسف، اسکندرنامه (روایت آسیای میانه)، به اهتمام حسین اسماعیلی، تهران، معین، ۱۳۹۲ (دو مجلد ۷۴۰ + ۵۸۱ ص).

دکتر حسین اسماعیلی از معدود متخصصان شناخت فرهنگ عامیانه ایرانی خصوصاً در رشته ادبیات داستانی می‌باشد که با چاپ ابومسلم‌نامه، حاتم‌نامه و اکنون اسکندرنامه (روایت آسیای میانه) بر غنای گنجینه ادبیات داستانی عامیانه ایرانی افزوده است و من در همین جا اظهار امیدواری و در حقیقت از ایشان در خواست می‌کنم با امکانات و احاطه‌ای که در این مقوله دارند، بانی انتشار مفصل‌ترین و عجیب‌ترین داستان عامیانه ایرانی تحت عنوان بوستان خیال گردند که برای اولین بار توسط مرحوم دکتر محبوب در ایران‌نامه معرفی شد و به نظر می‌آید کاری باشد درخور پژوهشگری کوشا و جامع‌الاطراف مانند دکتر اسماعیلی. با آرزوی آنکه توفیق این خدمت بزرگ فرهنگی برای ایشان به دست آید.

و اما اسکندرنامه روایت آسیای میانه تقریباً پنج درصد قدر مشترک با اسکندرنامه منوچهر حکیم دارد و آن همانا نیمه نیمی از زمینه تاریخی واقعی اسکندر، و نام او و بعضی از همراهانش می‌باشد. خصوصاً باید تفاوت اصلی این دو تحریر را در منش سنی نقال روایت آسیای میانه و گرایش شیعی نقال اسکندرنامه منوچهر حکیم (عصر صفوی) نگریست. تفاوت حوادث که مایه جذابیت داستان می‌شود، همانا ماجراهای عیاری است که در تحریر صفوی قوی‌تر است (برای مقایسه‌ای

گزشتار